

مدرس، با کهولت سن رنج سفر بر خویش هموار کرد و از قم به زیارت مرقدش - در کاشمر - شتافت. گفتارش و کردارش همه رنگ خدایی داشت و زندگی اش موعظه بود.

در اسفندماه ۱۳۷۵ بود که سمیناری در تجلیل از وی در حوزه علمیه قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام «آیت بصیرت» در شرح زندگی او منتشر شد.

سرانجام آن فقیه فرزانه پس از ۹۰ سال عمر با برکت، در روز شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۴۱۸ ق (۲۸ تیرماه ۱۳۷۶ ش) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش در یکشنبه، پس از یک تشییع باشکوه و نماز آیت الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد و عالمی از زهد و تقوی را با خود به خاک برد.

ناصرالدین انصاری قمی

*

از ویژگیهای بارز آن اسوه فضیلت و تقوی، بی اعتنائی به دنیا (به گونه ای که خانه کنونی اش همان منزل پنجاه سال پیش او در کوچه پس کوچه های قم بود)، دوری از شهرت (که با اصرار فراوان دولت و ملت و فضلالی حوزه، حاضر به انتشار رساله عملیه نشد و شتون مرجعیت را بر عهده نگرفت)، دستگیری نیازمندان، رعایت مستحبات و پرهیز از مکروهات، برخورد نیکو و حسن خلق و صبر در مصائب و تحمل دشواریها (به خصوص در مرگ فرزند جوانش و شکیبایی در بیماری و خانه نشینی طولانی اش)، شب زنده داری و اقامه نماز شب و روزه های بسیار او بود. فراوان قرآن می خواند و پیاده روی، سیره همیشگی اش بود. چند بار در جبهه های نبرد حضور پیدا کرد و به نفس نفیس خویش، در کنار رزمندگان اسلام روزهای فراوانی را سپری ساخت. و از روی علاقه مفرط به مرحوم آیت الله

خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی اش را استوار ساخت و در ۲۵ سالگی از آیت الله خوانساری اجازه اجتهاد، دریافت نمود.

معظم له در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و بارها سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره)، رسائل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

معظم له در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج البلاغه و صحیفه سجاده از او به یادگار ماند و این همه، خمیرمایه درسها و بحثهای اخلاقی طولانی وی در حوزه علمیه قم را تشکیل داد.

فرهنگی

فراخوان مقاله برای همایش بزرگداشت

آیت الله سید عبدالحسین لاری

مجتهد مجاهد خطه لارستان آیت الله سید عبدالحسین لاری از شاگردان میرزا شیخ مرتضی انصاری، از جمله بزرگان بود که با الهام از مکتب استعمارستیز مجدد بزرگ تاریخ شیعه، آیت الله میرزای شیرازی و نیز آخوند خراسانی و دیگر مجتهدان اعتبار مقدسه عراق و ایران، در عصر سلطه استبداد و استیلای استعمار، قامت مجاهدت در برابر ستم برافراشت و به همت و یاری دلیرمردان لارستان، ابتدا در راه دفاع از نهضت

و تلاشهای علمی و سیاسی او دعوت می کند. محورهای اصلی مورد بحث در مجمع مذکور به قرار ذیل خواهند بود:

۱. سید عبدالحسین لاری، از تولد تا وفات؛
۲. جغرافیای سیاسی و تاریخی لارستان؛
۳. حوزه ها و مراکز علمی و دینی لارستان و علمای بزرگ لارستان؛
۴. لارستان و اهمیت سیاسی و اقتصادی آن در تاریخ ایران؛
۵. نقش تلاشها و کوششهای سید عبدالحسین لاری در وحدت مردم

مشروطیت به رهبری علمای ایران و عتبات و سپس در همین مسیر و در تداوم همان مبارزه ضد استبدادی، علیه استعمار انگلیس به مبارزه برخاست و نهضتی بزرگ را در جنوب ایران رهبری کرد.

اکنون در آستانه هفتاد و چهارمین سال درگذشت آن مجاهد نستوه، ضمن اعلام خبر برگزاری مجمع بزرگداشت شخصیت علمی و سیاسی او، در نیمه اول اسفندماه سال جاری، تمامی اساتید و دانش پژوهان و اصحاب قلم را به نگارش مقالاتی درباره این مجتهد بزرگ

لارستان؛

۶. اندیشه سیاسی مرحوم لاری در آثار سیاسی او؛

۷. مقام و جایگاه فقهی لاری در آثار چاپی و خطی وی؛

۸. آراء نوین فقهی و کلامی لاری؛

۹. سید عبدالحسین لاری در آثار چاپی و خطی وی؛

۱۰. لاری و مجلس اول مشروطه؛

۱۱. سید عبدالحسین لاری و لارستان در نهضت مشروطه؛

۱۲. پیوندهای سید عبدالحسین لاری با عشایر جنوب در ستیز علیه استبداد و استعمار؛

۱۳. رجال، شخصیت‌ها و بزرگان همفکر و همراه لاری در لارستان؛

۱۴. روابط سید عبدالحسین لاری با نهضت مشروطه؛

۱۵. فرهنگ و مردم لارستان در عصر مبارزات مرحوم لاری؛

۱۶. منابع چاپی و خطی در تاریخ، اقتصاد و سیاست مردم شناسی لارستان؛

۱۷. آثار و ابنیه تاریخی لارستان؛

۱۸. لارستان در سفرنامه‌های سیاحان داخلی و خارجی؛

۱۹. ساخت اداری و حکومتی لارستان در عصر سید عبدالحسین لاری؛

۲۰. لارستان و قیام لاری در روزنامه‌های عصر لاری؛

۲۱. روابط تجاری لارستان با خلیج فارس و کشورهای همجوار.

آخرین فرصت برای دریافت خلاصه مقالات: پایان آبان ماه سال جاری است. و فرصت برای دریافت اصل مقالات: پانزدهم دی ماه سال جاری می‌باشد.

مقالات برگزیده شده توسط کمیته علمی مجمع با عنایت به رعایت تنوع و تقسیم بندی موضوعی، در جلسات

مجمع قرائت و بقیه آنها نیز در مجموعه مقالات چاپ خواهند شد.

مجمع بزرگداشت

آیت الله سید عبدالحسین

لاری

آدرس دبیرخانه مجمع:

۱. تهران، میدان بهارستان، خیابان

کمال الملک، ساختمان مرکزی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

طبقه چهارم، تلفن

۳۰۳۵۸۵-۳۱۱۶۱۷۵؛ نمابر:

۳۰۳۵۳۵

۲. فارس: لارستان، خیابان مدرس

شمالی، تلفن ۹۰۸۸۱(۰۷۸۱)؛

نمبر: ۹۰۶۳۸، صندوق پستی

۷۴۳۱۵-۳۵۵

✽

گزارشی کوتاه از احوال و آثار آیت الله

فقید، مرحوم آقا نجفی قوچانی اعلی الله

مقامه الشریف

آیت الله حاج سید محمد حسن نجفی

مشهور به «آقا نجفی قوچانی» فقیهی

بزرگ، عالمی و ارسته، حکیم الهی،

مردی که افزون بر یکصد سال پیش (در

سال ۱۲۹۵ق) در قریه خسرویه از توابع

قوچان پایه عرصه وجود گذاشت و در

همان ده به مکتب خانه رفت.

پدرش سید محمد که در خسرویه به

برزگری اشتغال داشت، به تحصیل

فرزندش رغبت بسیار نشان می داد، وقتی

او را به مکتب گذاشت فرزندش جزواتی

از قرآن و کتاب فارسی و مقداری ترسل و

نصاب و حساب جمل را خواند؛ دیگر

مایل به ادامه درس نبود، پدرش با اینکه

اهل علم نبود اصرار داشت فرزندش به

درس و بحث ادامه دهد. مرحوم آقا

نجفی در این مورد می نویسد:

«... (پدرم) گفت برو به مکتب،

گفتم فایده ای ندارد. من برای تو

هزار کار می کنم که بهتر از مکتب

باشد... گفتم به مکتب بروم چه

می خوانم، چون آخوند گفت:

من بعد از این مقداری که خوانده

شده نمی دانم... پس از برهه

گفت باید بروی مدرسه و این

کتاب را تمام بخوانی... (گفتم)

من به مدرسه نخواهم رفت، مگر

نان و حلوا را نخوانده ای که شیخ

بهائی که زیر و بالای مدرسه را

دید، فرموده:

علم رسمی سر بسر قیل است و قال

نه از او کیفیتی حاصل نه حال

«... گفت تو خود الان مرده ای و

مدرسه سرچشمه زندگانی است»

سرانجام در سن سیزده سالگی از ده به

شهر قوچان وارد می شود و پس از سه

سال مقدمات کامل را در مدرسه علوم

دینی قوچان آموخته و پیاده از راه سبزوار

و نیشابور عازم مشهد شد و در مدرسه دو

درب، ادبیات و سطح و قوانین را به انجام

رسانید. آقا نجفی در سال ۱۳۱۳ق در

بیست سالگی به همراه یکی از

همدرسانش پیاده از راه کویر و طیس وارد

یزد شده و از آنجا باز پیاده به اصفهان و در

مسجد عربون ساکن می گردد.

در اصفهان نزد آخوند ملا محمد

کاشانی که از اجله حکماء و اهل عرفان

بود، در آن زمان تدریس حکمت و کلام

در اصفهان منحصر به آن مرحوم و یگانه

زاهد عصر خود بود، منظومه حاج ملا

هادی سبزواری و رسائل را از شیخ

عبدالکریم گزی و حکمت را نزد میرزا

جهانگیر خان قشقایی می آموزد و گاهی

هم در درس خارج آقا نجفی اصفهانی

حاضر می گردد.

تحصیلات آقا نجفی در اصفهان

همراه با مشقت بوده است خود

می نویسد: «... در اوائل تحصیل

اصفهان بسیار سخت گذشت بطوری که در مدت ششماه اول سه روز گرسنه بسر برده، ناچار شدم ... کتاب معالم را به دو قران فروخته و سد جوع نمایم. « با همین احوال نسبت به مراقبت و تزکیه نفس سخت مقید بوده و گاهی اوقات بفکر ریاضت می افتاده است.

سال چهارم توقف در اصفهان، آقا نجفی پس از فروش مقداری کتاب و اثاثیه مختصری که داشته با ده تومان پول نقره راه عتبات عراق را در پیش گرفته و پیاده عازم نجف می شود. در بیست و سه سالگی وارد نجف اشرف شده ولدی الورد در یکی از حجرات متروک مدرسه ساکن می گردد، در نجف به حوزه تدریس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حاضر شده، درس آخوند را می پسندد، روی این جهت تصمیم می گیرد که در نجف برای ادامه تحصیل بماند.

مرحوم آقا نجفی نسبت به آخوند خراسانی سخت ارادت می ورزیده به گونه ای که در جنبش مشروطیت و قیام آخوند و علمای نجف، وی از طرفداران مشروطیت بوده و حقایقی از قیام روحانیت را در کتاب شریف «سیاحت شرق» که حاوی شرح سوانح عمر و تحصیلات و مشقات زندگی خود می باشد به رشته تحریر درآورده است.

آقا نجفی در سی سالگی قوه استنباط احکام اسلامی را پیدا کرده و به مقام اجتهاد نائل می گردد. استادان آن مرحوم در نجف اشرف، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شریعت اصفهانی و شیخ محمد باقر اصطهباناتی بوده است. آخرین روزهای توقف در نجف از فوت پدرش در قوچان مطلع می شود که ناگزیر بعد از بیست سال توقف در نجف در سال ۱۳۳۸ ق به ایران و سپس برای زیارت ارض اقدس مشهد مراجعت می کند. در

این موقع با توقف کوتاهی در مشهد بنا به تقاضای مردم قوچان در این شهر رحل اقامت می افکند. آقا نجفی متجاوز از بیست و پنج سال دیگر از عمر خود را در قوچان با مقام فقاہت در مسند حاکمیت شرع می گذراند که در ضمن به امور دینی مردم و اداره حوزه علوم دینی نیز می پردازد.

سرانجام در شب جمعه ۲۶ ربیع الثانی سال ۱۳۶۳ ق مطابق با نهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ ش در شصت و هشت سالگی در قوچان وفات یافت و در محل حسینیه خود بخاک سپرده شد. مزار این عالم ربانی امروز مورد توجه و اعتقاد اهالی قوچان و زیارتگاه ارادتمندان او می باشد.

مرحوم آیت الله آقا نجفی قوچانی در دوران حیات خود عالمی وارسته و در عین تواضع، صریح و باهیبیت بود. آزادگی و زهد و تقوای او زبانزد خاص و عام و در مواقع سختی و حوادث پناهگاه مردم و محرومان بوده است. مرحوم آقا نجفی تنها امتیاز و عظمتش به مدارج و مراحل عالی فقه و مقام اجتهاد نبود، بل عالمی اندیشمند و انسانی کامل و کاملی واصل بوده است.

*

کتابشناسی آثار آیت الله آقا نجفی

قوچانی (ره)

کتابشناسی آثار و رسالاتی چند از آن مرحوم:

۱. شرح دعای صباح به خط شارح، تاریخ تحریر ۲۱ شوال ۱۳۲۷ ق مطابق با ۱۲۸۷ ش. محل تحریر نجف اشرف. در ۶۹ صفحه رحلی. شارح جملات دعای صباح را ابتدا از نظر لغت و سپس به ظهن نویسی به ترجمه و توضیح متن پرداخته و آنگاه تحت عنوان بطن و در مواردی همان جملات را بطن البطن به

مطالب کلامی و عرفانی دعا، شرح جالبی داده است. در برخی از جملات دعا، علاوه بر شرح به نکات ادبی به وجوه مختلف آن نیز پرداخته و گاه در همین زمینه به استدلال توضیحاتی داده است.

۲. **عذر بدتر از گناه** به خط مرحوم آقا نجفی، ممزوجی از نثر فارسی و عربی درباره سرنوشت مشروطیت ایران مکتوب به سال ۱۳۲۸ ق مطابق با سال ۱۲۸۸ ش می باشد.

۳. **حیوة الاسلام فی حال آیت الله الملك العلام**، به خط آن مرحوم. تحریر در سال ۱۳۲۹ ق برابر با سال ۱۲۹۰ ش محل تحریر، نجف اشرف در ۹۷ صفحه. شامل شرح حال آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مبادله تلگرافات آن مرجع بزرگ در باب مشروطیت ایران با دربار عثمانی و دربار ایران مبنی بر ایجاد حکومت قانون و حمایت از مشروطیت ایران و نیز تلگرافهایی به انجمن سعادت اسلامبول و انجمن اصفهان و علماء بلاد و برخی از سران عشایر ایران و همچنین نامه و تلگرافاتی به علماء و مجتهدین تهران که به علت مداخله دولت ایران و اعمال خلاف قانون محمد علی میرزا رهسپار قم شده بودند، این نوع تلگرافها، خود سندی است که کمتر در منابع تاریخ مشروطیت ایران دیده می شود.

۴. **سیاحت شرق** یا زندگینامه و سفرنامه آقا نجفی قوچانی. این کتاب درباره سوانح عمر و سفرنامه آن مرحوم است که در سال ۱۳۰۷ ش به خط خود نگاشته و از ابتدای کودکی به گزارش تحصیلاتش در شهرهای قوچان و سبزوار و مشهد و اصفهان پرداخته است. در این کتاب، چگونگی ورود خودش را به نجف اشرف و تحصیلات

نهایی خود تا آنکه به مقام اجتهاد رسیده است، مشروحاً مرقوم داشته است. سیاحت شرق علاوه بر زیستنامه، آئینه روشنی از وضع روحانیت و رفتار و کردار مردم زمانی است که عبرتهای فراوان در بر دارد، بعلاوه وقایع مشروطیت ایران و حوادث تاریخی منجمله جنگ جهانی اول و تأثیر آن در نهضت مشروطیت ایران در عراق مخصوصاً بین علما و مراجع مقیم نجف و حقایقی از قیام روحانیت را با قلمی بسیار روان و شیرین نگاشته که مطالعه آن گوشه‌هایی از حقایق صدر مشروطیت را آشکار می‌سازد. کتاب سیاحت شرق با مقدمه و تصحیح نگارنده تاکنون پنج نوبت چاپ و انتشار یافته است. این کتاب در دانشگاه پرینستون نیوجرسی آمریکا جزو کتب السنه شرقی، تدریس می‌گردد.

۵. رساله سفری کوتاه به آبادهای اطراف قوچان. این رساله در ارتباط با رسیدگی به امور شرعی مردم در چندین روستای قوچان می‌باشد، که در ضمن رسیدگی به امور شرعی روستائیان به برخی از مسائل اجتماعی مردم آن مناطق نیز پرداخته است. تاریخ تحریر ۲۹ شوال ۱۳۴۸ ق مطابق با ۱۳۰۹ ش است.

۶. سیاحت غرب یا سرنوشت ارواح بعد از مرگ. این رساله خطی که نمایش دهنده سیر ارواح برزخی است. آن مرحوم فوت مثالی خود را تمثیل قرار داده به استناد آیات و روایات مراحل سفر برزخ را با استعارات و تمثیلات مخصوص درآمیخته، از نظر مفهوم عبادت و فضیلت اخلاق و صفای دل و پاکی روح و عشق به اولیای حق، رفیقی

خوشرو و خوشخویی را به نام «هادی» و به جای گناه و عصیان و ظلم و ستم که در دنیا مرتکب گردیده است، زشت رویی به نام «سیاه» را در عالم برزخ مجسم می‌سازد که قدم به قدم او را همراه است. بسیار شیرین و جذاب و در عین حال مستند نگاشته است.

۷. شرحی بر کتاب «پسران من» از تألیفات پُل دومر آمریکایی، در زمینه اخلاق و تربیت جوانان و عشق و آزادی که مرحوم آقا نجفی این شرح را به خط خود در سال ۱۳۵۲ ق مطابق با ۱۳۱۲ ش نگاشته است. در این شرح، مندرجات کتاب پُل دومر را با مبانی اخلاق اسلامی مقایسه و تطبیق کرده و برتری و فطری بودن اخلاق اسلامی را با استناد آیات و روایات به اثبات رسانده است.

۸. شرح ترجمه رساله تفاحیه بابا افضل کاشانی. به خط مرحوم آقا نجفی در نیمه شوال ۱۳۵۴ ق مطابق با سال ۱۳۱۴ ش. شارح در مقدمه کتاب، چنین آورده است «در این ترجمه مقالتی است از آن ارسطوی حکیم معروف به تفاحیه که به وقت وفات، املا کرده است» بابا افضل کاشانی این رساله را ترجمه کرده است. خواجه افضل الدین کاشانی متوفی به سال ۷۷۰ ق از فحول علمای عصر و از او حکایات و خوارق عادات غریبه نقل کرده‌اند. بابا افضل در عصر خواجه نصیرالدین طوسی و قطب بن محیی صاحب مکتوبات می‌زیسته. از بابا افضل کاشانی رسالات متعددی منجمله ترجمه رساله تفاحیه در حکمت ذکر کرده‌اند، این کتاب در سال ۱۳۱۱ ق چاپ و انتشار یافته است.

۹. رساله‌ای در اثبات رجعت (عربی-فارسی) به خط مرحوم آقا نجفی در سال ۱۳۶۱ ق مطابق با ۱۳۲۱ ش.

۱۰. شرحی بر مباحث الفاظ کفایة الاصول (رك: حیوة الاسلام).

۱۱. رساله تقریرات فقهی: در مباحث قضا، صوم، صلوة، رهن. به خط مرحوم آقا نجفی در نجف اشرف و رساله‌ای ضمیمه دارد، تحت عنوان «الاتقان تسد ارکان الدین» از محمد هادی بن محمد امین استرآبادی.

۱۲. رساله خطی «اصالة البرائة» در اصول فقه: این رساله حاشیه بر فواید الاصول شیخ مرتضی انصاری است که ظاهراً در اصفهان از شیخ عبدالکریم گزی تلمذ کرده است. این تقریرات تحلیلی است بر درس استاد که ضمیمه این نسخه جزوات دیگری منجمله «منجز المریض» (ناتمام) و رساله طهر بدن حیوان به زوال العین النجاسه و رساله‌ای در نوافل یومیه نیز همراه می‌باشد.

از آثار معرفی شده مرحوم آیت الله آقا نجفی قوچانی فقط دو کتاب به عناوین «سیاحت شرق» و «سیاحت غرب» بکرات چاپ و انتشار یافته است. رسالاتی دیگر و مکاتباتی چند از مرحوم آقا نجفی نقل شده است که از ارباب فضل و تحقیق تقاضا می‌شود در آستانه برگراری مجمع بزرگداشت آن مرحوم کمیته علمی مجمع مستقر در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان را آگاه و یا با تلفن ۹۸۰۰۳ تماس حاصل فرمایند.